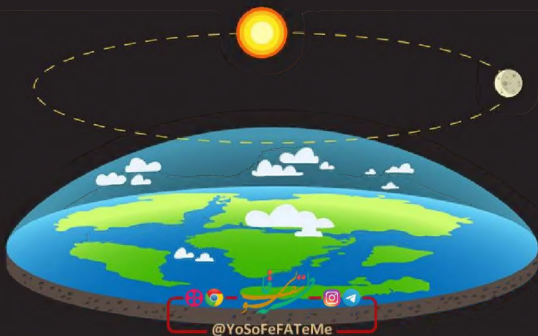


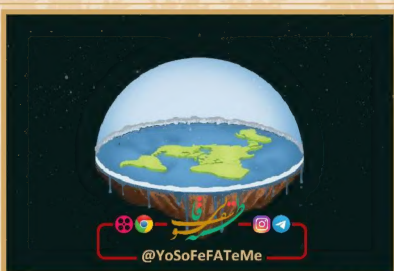


واقعیت شکل زمین



زمین تخت و گنبد آسمان

عیاشی به سندش از ابی الحسن علیه السلام روایت کرده که دو کفش را گشود و راست را بر چپ نهاد و فرمود: این زمین دنیا است و آسمان دنیا گنبد آن است. زمین دوم بالای آسمان دنیا است و آسمان دوم گنبد آن است و زمین سوم بالای آسمان دوم است و آسمان سوم گنبد آن می‌باشد و به همین صورت تا چهارم و پنجم و ششم را بیان کرد و فرمود: زمین هفتم بالای آسمان ششم است و آسمان هفتم گنبدی بر آن است و عرش رحمان بالای آسمان هفتم است. و این معنای قول خداوند بزرگ است که فرمود: «سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ» {خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آن‌ها هفت زمین آفرید. فرمان [خدا] در میان آن‌ها فروود می‌آید.} و صاحب امر، پیغمبر است که روی زمین است و امر از بالا از میان آسمان‌ها و زمین می‌آید



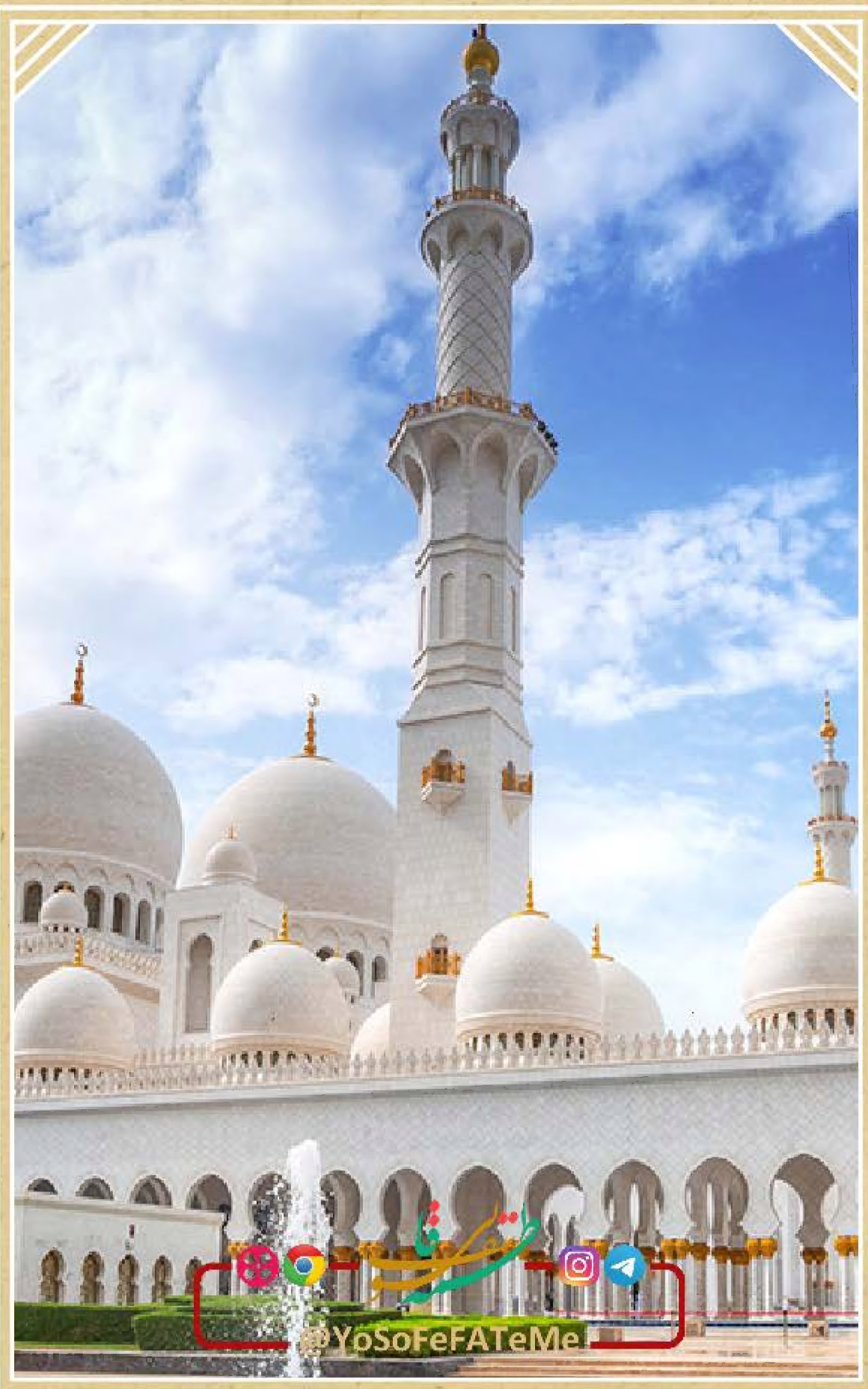
آسمان دنیا مانند گنبد

عیاشی از حسین بن خالد نقل می‌کند که به امام رضا علیه السلام عرض کردم: مقصود پروردگار متعال از عبارت «وَالسَّمَاءُ ذَاتِ الْحُبُكِ» چیست؟ فرمود: آسمان در زمین، فرو رفته است و انگشتان خود را در یک‌دیگر فرو برد. عرض کردم چطور ممکن است که آسمان‌ها با زمین، در هم فرو رفته باشند، حال آن که خداوند فرموده است: «رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» فرمود: سبحان الله! مگر خداوند نفرموده است: «بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» عرض کردم: آری. فرمود: پس ستون‌هایی وجود دارند، ولی دیده نمی‌شوند. عرض کردم: چگونه چنین است؟ امام دست چپ خود را گشود و سپس دست راست خود را روی آن‌ها قرار داد و فرمود: این زمین دنیا است و این آسمان دنیا که مانند گنبدی بر روی آن قرار گرفته است

ابی حمزه می‌گوید: شبی نزد امام باقر علیه السلام بودم،
نگاهی به آسمان کرد و به من فرمود: ای ابا حمزه، این گنبد
پدر ما آدم است و راستی که خدای عز و جل سی و نه گنبد
غیر آن دارد. در آن‌ها آفریده‌هایی هستند که یک چشم بر
هم زدن، نافرمانی خدا نکردند... مردی نزد امام صادق علیه
السلام آمد و به ایشان گفت: قربانت گردم! این گنبد آدم
است؟ فرمود: آری و خدا گنبدهای بسیار دارد. به راستی که
پشت این مغرب شما سی و نه مغرب است. زمینی است
درخشان پر از خلقی که به نور او تابانند و خدای عز و جل را
یک چشم بر هم‌زدن نافرمانی نکرده‌اند

یوسف فاطمه





گنبد خانه هابشت

پیامبر خدا فرمود: هر یک از مردان اهل بهشت ثروتی هفتاد برابر همه دنیا دارد و نیز هفتاد هزار گنبد و هفتاد هزار کاخ و هفتاد هزار تخت آراسته و هفتاد هزار تاج جواهرنشان و هفتاد هزار لباس زرنشان و هفتاد هزار حورالعین و هفتاد هزار خدمتگزار و چهل تاج مرصع و هفتاد هزار لباس فاخر خواهد داشت



رودخانه آسمان و آب‌ها به متشکل در بالا می‌گنبد

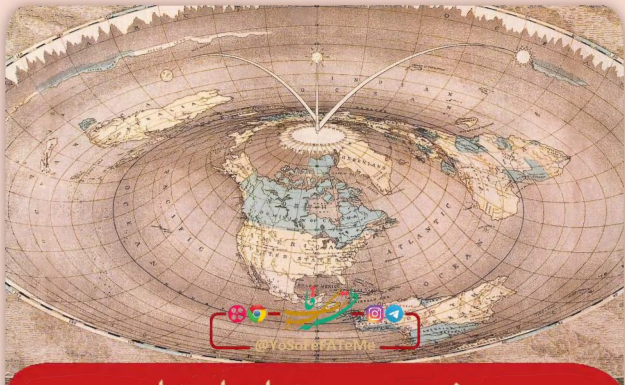
ابن کواء از امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید از کهکشانی که در آسمان است؟ فرمود: آن کانال و رودخانه آسمان است و امان از غرق شدن اهل زمین است، و خدا از آن بود که قوم نوح را به آبی تند جریان غرق کرد

در خبر یزید بن سلام است که از پیغمبر صلی الله علیه و اله پرسید، چرا ستارگان خرد و درشت به چشم می‌آیند با این‌که همه در اندازه برابرند؟ فرمود: چون میان آن‌ها و آسمان دنیا دریا‌های پر موجی است که باد بر آن‌ها می‌وزد، از این رو خرد و درشت دیده می‌شوند، و اندازه همه یکی است



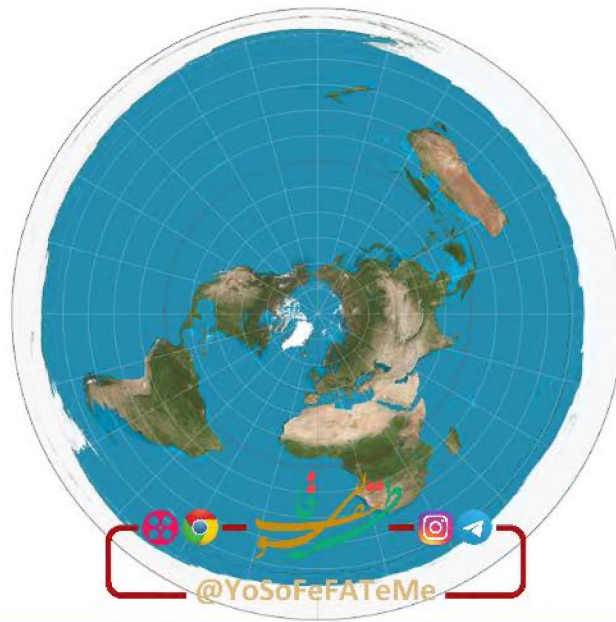
استوار بودن زمین بر...

از ابن عمر روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: میان زمین و زمینی که پهلوی آن است، مسافت پانصد سال راه است و بالاتر زمین بر یک ماهی است که دو سویش در آسمان به هم برخوردده‌اند؛ ماهی بر صخره به دست فرشته است. دوم زمین جای باد است و چون خدا خواست عاد را هلاک کند، به دربان باد فرمود که بر عاد باد بفرستد. گفت: پروردگارا! به اندازه سوراخ بینی گاو باد به آن‌ها فرستم؟ خدا فرمود: در این صورت زمین و هر که بر آن است واژگون شوند، بلکه به اندازه انگشتی بفرست و همان است که خدا در کتابش فرموده است: « مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَنتَ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتَهُ كَالرَّمِيمِ » {به هر چه می‌وزید آن را چون خاکستر استخوان مرده می‌گردانید.} در زمین سوم سنگ دوزخ است، و در چهارم کبریت دوزخ



هفت زمین بر صخره‌ای‌اتوار

گفتند: یا رسول الله! دوزخ کبریت دارد؟ فرمود: آری، به آن که جانم به دست او است در آن وادی‌ها از کبریت است که اگر کوه‌های بلند به آن فرستاده شوند آب می‌گردند. در زمین پنجم مارهای دوزخند که دهانشان چون وادی است و کافر را می‌گزند و گوشتی از او بر تخته گوشت نماند. در زمین ششم عقرب‌های دوزخند، که کوچک‌ترشان چون استران پالان دار است و به کافر نیشی می‌زند که سوزش دوزخ را فراموش می‌کند. در زمین هفتم سقر است و در آن ابلیس در غل آهن از پیش و پس است و چون خدا می‌خواهد برای آن‌چه می‌خواهد، او را آزاد می‌کند... کعب که گفت: هفت زمین بر صخره‌اند و صخره بر کف فرشته و فرشته بر بال ماهی و ماهی در آب که بر باد است و باد بر هوا قرار گرفته است. ریح عقیمی که آبستن نسازد و راستی که شاخ‌هایش به عرش آویزان است



گسترش زمین از بیت المقدس

پادشاه روم درباره محل ارواح مؤمنان بعد مرگشان از امام حسن سؤال کرد. حضرت فرمود: هر شب جمعه در کنار صخره بیت المقدس که عرش زمینی خداوند است گردهم می‌آیند. خداوند از آن جا زمین را گستراند، و از همان جا آن را در هم می‌پیچد. محشر نیز از همان جا آغاز می‌شود و از آن جا خداوند بر آسمان و فرشتگان استیلا یافت.

پادشاه علاوه بر این، از امام حسن مجتبی علیه السلام در باره محل گرد هم آمدن ارواح کفار پس از مرگشان سؤال کرد. آن حضرت پاسخ داد: در وادی حضر موت، پشت شهر یمن گرد هم می‌آیند. سپس خداوند آتشی از مغرب و آتشی از مشرق را برمی‌انگیزد و دو باد شدید را نیز در پی آن دو روان می‌سازد. آن گاه مردم را در نزدیکی صخره بیت المقدس زنده می‌کند و مردم را در سمت راست صخره گرد هم می‌آورد و پرهیزگاران را به خود نزدیک می‌کند. دوزخ در سمت چپ صخره، در میان طبقه هفتم زمین خواهد بود که در آن جا حفره آتش و سجین نیز وجود خواهد داشت. مردم در کنار صخره تقسیم خواهند شد. هر کس سزاوار ورود به بهشت باشد، وارد آن خواهد شد.

امام جعفر بن محمد: خدا پرده‌ای از تاریکی در پهلوی مشرق
آفریده و بدان فرشته‌ای گماشته، چون خورشید فرو شود آن
فرشته تا دو کف خود از آن تاریکی برگیرد و به مغرب آید و به
دنبال شفق باشد، و خرده خرده از میان دو کفش برآید و بگذرد
تا هنگامی که شفق فرو شود و تاریکی پهن گردد، سپس به
مشرق بازگردد و چون خورشید برآید با پر خود تاریکی را به
مغرب راند تا آن را هنگام برآمدن خورشید به مغرب رساند





مخلوقاتے شگفت در قف محفوظ آمان

در خرائج، از صفوان جمال روایت شده که در حیره به همراه امام صادق علیه السلام بودم، ناگاه ربیع حاجب آمد و گفت: که أمير المؤمنين را اجابت کن، و درنگی نشد که بآن حضرت باز گشت گفتم: زود برگشتی، فرمود: او چیزی از من پرسید، تو از ربیع بپرس از آن، صفوان گوید: من با ربیع میانه خوبی داشتم رفتم نزد او و از او پرسیدم، گفت خبر عجیبی به تو بدهم، عرب‌های بیابان رفته بودند سماروغ بچینند، مخلوقی در بیابان افتاده بود، نزد منش آوردند، و من آن را نزد خلیفه بردم چون آن را دید، گفت: از من دورش کن و جعفر را بخوان، او را خواندم. منصور باو گفت: یا ابا عبد الله بمن بگو در هواء چیست؟ فرمود: در هوا موجی است خوددار، گفت: در آن ساکنی هست؟ فرمود: آری، گفت: سکانش چه باشند؟ فرمود: خلقی که بدن‌شان چون ماهی است، و سرشان چون پرنده، و مانند خروس یال دارند و نغغ (سوراخ‌های برآمده در گردن) و بال‌های بسیار سفید چون پرنده‌ها بمانند نقره زلال شده

از ثابت بن دینار نقل شده است که او می‌گوید: از امام زین العابدین علیه السلام پرسیدم: آیا خداوند عز و جل با مکان وصف می‌شود؟ فرمود: خداوند از آن برتر است. پرسیدم: پس چرا پیامبرش را به آسمان برد؟ فرمود: برای این که جلال و عظمت آسمان‌ها را با هر آن چه در آن است به او نشان بدهد. از چیزهای عجیبی که ساخته است تا موجودات جدیدی که خلق کرده است. گفتم: پس معنای آیات «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى * فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» چیست؟ فرمود: همان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که به حجاب نور نزدیک شده بود و جلال و عظمت آسمان‌ها را مشاهده نمود. سپس حضرت خم شد و از زیر آن به عظمت و ملکوت زمین نگاه کرد، تا جایی که گمان کرد در نزدیکی زمین قرار دارد و فاصله او با زمین دو سر کمان و یا کمتر است

یوسف فاطمه





بازگشت خورشید به دستور حضرت علی

از حنان روایت شده که گفت: به امام صادق علیه السلام گفتم: علت این که امیرالمؤمنین علیه السلام نماز عصر را ترک کرد و به تأخیر انداخت چه بود در حالی که او دوست داشت نماز ظهر و عصر را باهم بخواند؟ گفت: وقتی او نماز ظهر را خواند رو به سوی جمجمه‌ای که افتاده بود کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام با آن سخن گفت: ای جمجمه تو اهل کجا هستی؟ گفت: من فلان بن فلان، پادشاه سرزمین آل فلان هستم. امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: داستان را برای من تعریف کن چه بودی و دورانت چگونه بود؟ جمجمه شروع کرد به تعریف کردن داستان و خیر و شری که در دوران او بود، به آن سرگرم شد تا این که خورشید غروب کرد. با آن به سه حرف از انجیل سخن گفت تا عرب‌ها سخن او را نفهمند. گفت: اکنون که رفته‌ام باز نمی‌گردم. به سوی خدای عزّوجلّ دعا کرد و خدا هفتاد هزار فرشته با هفتاد هزار زنجیر آهنی فرستاد که آن را در گردنش انداختند و بر روی صورتش کشیدند تا این که بازگشت در حالت سفید و پاکیزه و امیرالمؤمنین علیه السلام نماز خواند. سپس مانند ستاره‌ای غروب کرد و این سبب تأخیر نماز عصر بود

حسن بن محبوب، از عبد الله بن سنان، از معروف بن خَرَّبُوذ، از حَكَم بن مُسْتَنیر، از علی بن حسین (علیهما السلام) روایت کرده است که فرمود: یکی از زمان‌هایی که خداوند به خاطر نیاز مردم به آن مقدر فرموده، دریایی است که خداوند بین آسمان و زمین خلق کرد، سپس مدار خورشید و ماه و ستارگان و سیارات را در آن دریا قرار داد، پس همه این مجموعه را در فَلَک قرار داد. سپس مَلْکی را که هفتاد هزار مَلْک تحت امر او بودند بر فَلَک گماشت، و آن هفتاد هزار مَلْک، فَلَک را می‌چرخانند، این چرخش خورشید و ماه و ستارگان و سیارات در پی چرخش فَلَک، باعث می‌شود آن‌ها در هر روز و شب در آن منزلی که خدا مقدر فرموده قرار بگیرند. وقتی گناه بندگان زیاد شود و خداوند بخواهد با آیتی از آیاتش آن‌ها را مؤاخذه کند، به مَلْکی که بر فَلَک گماشته شده است، امر می‌کند فَلَکی را که مدار خورشید و ماه و ستاره و سیاره در آن است از مجرا و محل همیشگی خود منحرف کند

یوسف فاطمه



آن ملک به هفتاد هزار ملائکه تحت امرش همین دستور را می‌دهد و آن‌ها اطاعت می‌کنند، در نتیجه خورشید به آن دریایی که فلک در آن جاری است، می‌افتد و دما و حرارتش از بین می‌رود و رنگش تغییر می‌کند. و هرگاه خداوند بخواهد آن آیت و نشانه را عظمت بیشتری بدهد، خورشید در آن دریا کاملاً فرو می‌رود، به خاطر این‌که خداوند می‌خواهد با این نشانه خلق خود را بترساند و بیم دهد. این حالتی است که کسوف کامل اتفاق می‌افتد و همین اتفاق در مورد ماه هم به وقوع می‌پیوندد، سپس وقتی خدا اراده کند آن دو را درآورد و در مدار خود قرار دهد، به ملک مسئول امر می‌کند خورشید را به مدار خود برگرداند و ملک، فلک را بر مجرای خود باز می‌گرداند و خورشید از آب در می‌آید در حالی که کدر و تیره رنگ است؛ و همین طور است درباره ماه. سپس فرمود: تنها شیعیان ما از این دو نشانه می‌ترسند. پس وقتی این واقعه رخ می‌دهد، از خدا بترسید و به سوی او بازگردید

یوسف فاطمه





زمین با وسعت بیشتر از خورشید و دیگر سیارات

امیر المؤمنین می فرمود: مسافت کل زمین پانصد سال راه است؛ صد سال مسافت و اندازه آبادی ها و شهرها و چهارصد سال مسافت و اندازه صحراها و کوهها و مناطق غیر مسکونی، و اندازه خورشید شصت فرسخ در ششصد فرسخ (مایل $2/730000$)، و اندازه ماه چهل فرسخ در چهل فرسخ (۲۰۰۰ فرسنگ) است، درون ماه و خورشید برای اهل آسمانها می درخشد و نور می دهد و برون و قشر آنها برای اهل زمین نور می دهد، و سیارات (ستارگان مستقر در گنبد آسمان) به اندازه بزرگترین کوههای روی زمین هستند و خورشید قبل از ماه خلق شده است



آب و باران در آسمان هفتم

مسعدة بن صدقة، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: امام علی علیه السلام در زیر اولین قطرات باران ایستاد تا این که سر و ریش و لباس حضرت خیس شد و چون از او خواسته شد که پناه بگیرد، فرمود: به راستی که این آب با عرش الهی نو آشناست. سپس فرمود: زیر عرش، دریایی است که روزی زندگان را می‌رویاند، هرگاه خداوند اراده کند به واسطه آن آب، آن چه را می‌خواهد برای مخلوقات برویاند و به آنها رحمت آورد، به آن دریا امر می‌کند و دریا به اندازه‌ای که خدا مقدر کرده از آسمانی به آسمانی می‌بارد تا این که خدا به باد امر می‌کند که ابرها را خرد کن و همچون آب، ذوب بگردان و به فلان جا و فلان جا ببر و بر ساکنان آنها بار و به فلان مکان، باران زیاد بباران و غیره. پس باد به همان صورت که خدا امر کرده، ابرها را می‌باراند و به همراه هر قطره باران، فرشته‌ای وجود دارد تا آن را در مکان خود قرار دهد. تعداد و وزن قطرات باران، معین و مشخص است، به جز در هنگام وقوع طوفان نوح که بدون وزن و عدد، آب از آسمان، ریزان بود



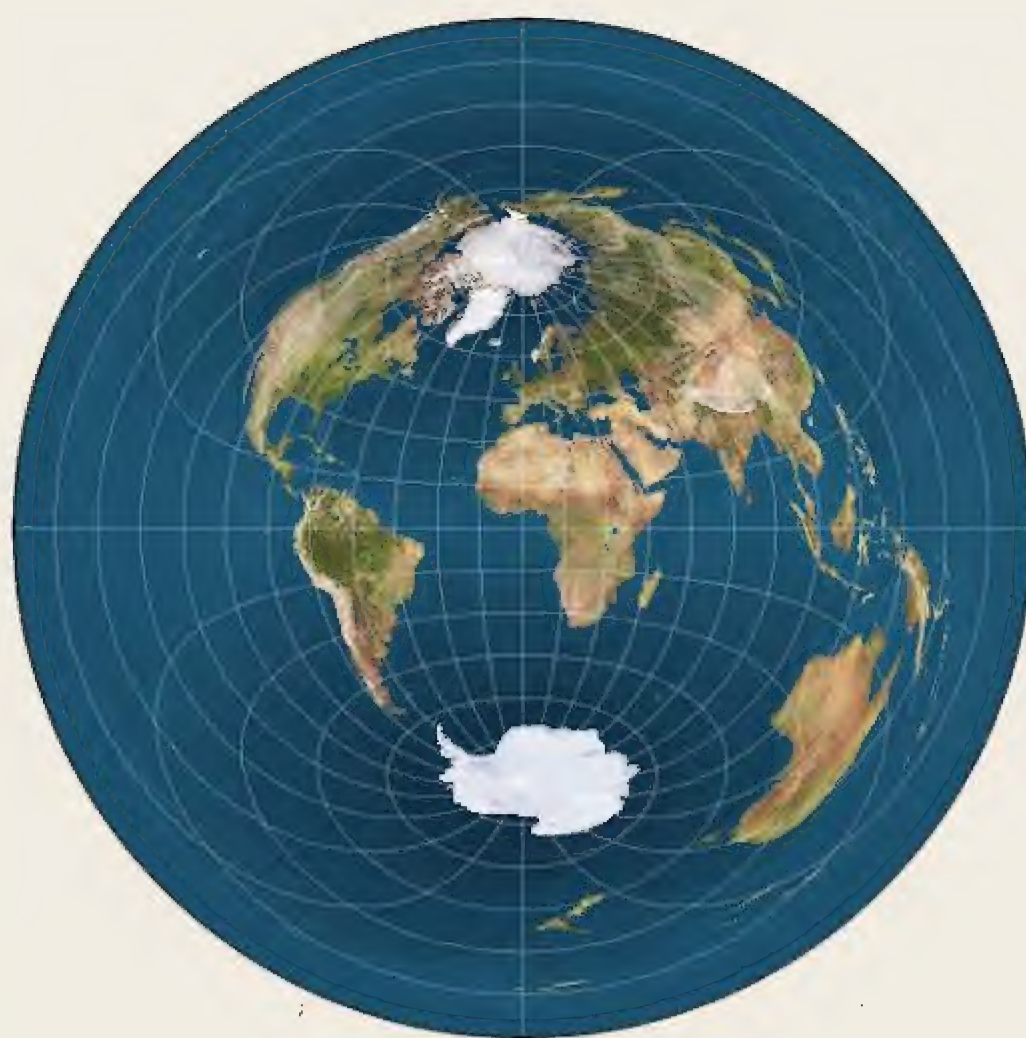
مکشوف شدن ملکوت هفت زمین و آسمان

امام باقر علیه السلام درباره آیه «و کذلک نری ابراهیم ملکوت السماوات و الارض...» فرمود: زمین برای او مکشوف شد، تا این که زمین و هر که را در آن است دید و آسمان برایش مکشوف شد تا این که آن را و هر که در آن است و فرشته‌ای که آسمان را حمل می‌کند و عرش و هر که را بر روی عرش است، مشاهده کرد. و این چنین به یار شما (امام باقر) نیز نشان داده شده است. سپس فرمود: به چشم او چنان نیرویی داده شد که در آسمان‌ها نفوذ کرد و آنچه را در آن‌هاست مشاهده کرد و عرش و آنچه را بالای عرش است و زمین و آنچه را زیر زمین است، دید. امام صادق علیه السلام درباره همین آیه فرمود: زمین و هر که بر روی زمین است و آسمان و هر که در آن است و فرشته‌ای که آسمان را بر دوش می‌کشد و عرش و هر که را بر آن است، برای ابراهیم مکشوف کرد

عالم یهودی: چرا زمین را ارض نامیدند؟ حضرت محمد (ص): چون زیر پا است و بر آن گام نهند. از چه آفریده شده؟ از زیرجد. زیرجد از چه آفریده شده؟ از موج خوددار آن موج از چه آفریده شده؟ از دریا. آن چگونه بوده است؟ چون خدا عزّ و جلّ دریا را آفرید، باد را فرمود تا بر امواج آن زد و به هم خوردند و کف برآوردند و فرمودش تا گرد آمدند و فرمودش تا نرم شدند و فرمودش تا استوار شدند و فرمودش تا کشش برداشت و زمین شد. به من بگو از کجا آرام شد؟ از اثر کوه قاف که مایه میخ‌های زمینی است که بر آنیم. به من بگو زیر زمین چیست؟ زیر آن نرّه گاوی است. چه وصفی دارد؟ چهار پا دارد و بر صخره سپیدی ایستاده است. بگو چطوری است؟ چهل شاخ و چهل دندان دارد، سرش در مشرق است و دمش در مغرب و تا قیامت برای خدا ساجد است و از هر شاخش تا دیگر پنجاه هزار سال است. زیر آن صخره چیست؟ کوهی به نام صعود. آن کوه از آن کیست؟ از آن دوزخیان که بر آن برآیند تا روز قیامت و آن هزار سال است تا چون به قلّه آن رسند، به گرزها زده شوند. بگو به من زیر آن کوه چیست؟ زمین است. نامش چیست؟ جاریه. زیر آن چیست؟ یک دریا. نام آن دریا چیست؟ سهک. زیر آن دریا چیست؟ زمین. زیر آن زمین چیست؟ یک دریا. نام آن دریا چیست؟ زاخر. زیر آن دریا چیست؟ یک زمین

در زیر زمین تخت

نامش چیست؟ فسیحه. برای من آن زمین را وصف کن. زمینی است درخشان چون خورشید، بادش بوی مشک دارد و روشنی اش چون ماه و گیاهش چون زعفران، متقیان روز قیامت بر آن محشور شوند. بگو این زمین ما در آن روز کجا است؟ عوض شود با زمین دیگر. زیر آن زمین چیست؟ دریایی است. نام آن دریا چیست؟ قفقاز. در آن چیست؟ یک ماهی. نامش چیست؟ یهموت. آن ماهی را وصف کن برایم. سرش در مشرق است و دمش در مغرب. بر پشتش چیست؟ زمین، دریاها، کوهها، ظلمت. میان دو چشمش چیست؟ هفت دریا در هر دریا هفتاد هزار شهر در هر شهر هزار پرچم، زیر هر پرچم هفتاد هزار فرشته. آنها چه می‌گویند؟ لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدير. راست گفتی. زیر باد چیست؟ ظلمت. زیر ظلمت چیست؟ ثری. زیر ثری چیست؟ جز خدا عزّ و جلّ نمی‌داند



زمین تخت

از ابتدای آغاز تاریخ ثبت شده بشریت از هزاران سال قبل تمدن های مختلف در سراسر جهان معتقد بودند زمین ثابت و مسطح است. سیستم های کیهان شناسی آن ها تفاوت کمی باهم داشت و همگی بطور کلی به یک موضوع مشترک باور داشتند با این که اکثر این تمدن ها از یکدیگر بسیار دور بودند. در نظر آن ها زمین یک صفحه تخت و بدون حرکت بود و البته بدون هیچ گونه انحنا

قطب شمال شناخته شده در مرکز عالم قرار داشت و نقطه مرکزی در باور بسیاری از تمدن‌ها شناخته می‌شد و ستاره قطبی همیشه بر بالای شمال حاضر بود و ستارگان همیشه در حال حرکت به دور زمین و ستاره قطبی بودند. برای انسان کهن زمین و ستاره قطبی دو نقطه ثابت در جهان بودند که همه چیز به دور آن‌ها گردش می‌کرد و از نظر آن‌ها همه چیز توسط یک آسمان گنبدی شکل احاطه شده بود. اکثر تمدن‌ها به یک گنبد فیزیکی و جامد که ستارگان به آن چسبیده‌اند معتقد بودند. امروزه با امکانات بسیار زیاد و پیشرفته به این موضوع پی می‌بریم که زمین کاملاً تخت و ثابت است، درست همان‌گونه که تمدن‌های گذشته اعتقاد داشتند و احساس و چشمان ما به ما گفته بودند. فرض کنید در خانه‌ای زندگی می‌کنید که چراغ‌هایی به شکل کروی و اشکال دیگر از سقف آن آویزان هستند. آیا با دیدن این چراغ‌ها نتیجه می‌گیرید که خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنید کروی شکل است؟ مسلماً پاسخ منفی است

خورشید در زمین تخت بر یک مدار مخروطی شکل در طول یکسال از راس السرطان به راس الجدی جابجا شده و حرکت می‌کند. زمانی که خورشید در منطقه شما و بر فراز سرتان قرار دارد روز است و زمانی که به تدریج از شما فاصله می‌گیرد و غروب می‌کند، شب پدید می‌آید. به علت کوچک‌تر بودن خورشید نسبت به زمین، محدوده‌ای که خورشید روشن می‌کند محدود است و توان روشن کردن تمامی نقاط بر روی زمین را ندارد. زمانی که خورشید از قطب شمال فاصله می‌گیرد، در نیمه‌شمالی زمستان و در نیمه‌جنوبی تابستان را داریم و زمانی که از نیمه‌جنوبی به سمت شمال حرکت می‌کند، نیمه‌جنوبی زمستان و نیمه‌شمالی تابستان را تجربه می‌کند. زمانی که خورشید از نیمه‌شمالی به سمت نیمه‌جنوبی حرکت می‌کند، هرچه به جنوب نزدیک‌تر می‌شود، به آغاز فصل بهار نزدیک‌تر می‌شویم چرا که خورشید در حال نزدیک‌تر شدن به سمت جنوب است و بهار را تجربه می‌کنیم و سپس زمانی که خورشید بر فراز نیمه‌جنوبی قرار گرفته (طول مسیر یکساله) نیمه‌جنوبی تابستان را تجربه می‌کند

پس از اتمام تابستان خورشید مسیر خود را به سمت شمال آغاز می‌کند و هرچه از نیمه جنوبی بیشتر فاصله می‌گیرد، هوا سردتر و خنک‌تر می‌شود و وارد فصل پاییز در نیمه جنوبی می‌شویم و زمانی که بطور کامل در نیمه شمالی قرار گرفت، نیمه جنوبی زمستان و نیمه شمالی تابستان است. زمین را می‌توان مانند یک آهنربای حلقه‌ای در نظر گرفت که یک قطب آن در مرکز و قطب دیگر در کنارها و لبه‌های آن قرار دارد. هم‌چنین می‌توان به نوعی جریان گردابی را در زمین مسطح متصور شد. زمین مسطح نیز مانند زمین کروی، دارای لایه‌های پوسته، گوشته است و هرکدام از لایه‌ها چند صد کیلومتر امتداد دارند. امروزه نیز با وجود هواپیما، مسیرهای هوایی این‌گونه تنظیم شده‌اند یعنی برای بازگشت به مکانی که از آن سفر را شروع کرده‌اید باید در فرودگاه‌های مختلف با هواپیما فرود بیایید و سپس سفر را ادامه دهید و به مکان قبلی برسید این با تخت بودن زمین نیز قابل توجیه است و برهانی بر کروی بودن زمین نمی‌باشد

زمین، یک صفحه گرد است که در مرکز آن قطب شمال و در اطراف آن، کوه‌هایی یخی که به نام قطب جنوب می‌شناسیم، قرار گرفته‌اند. این کوه‌های یخی که زمین را احاطه کرده‌اند، ارتفاعی در حدود ۵۰ متر دارند.

کارمندان ناسا از این کوه یخی محافظت می‌کنند تا افراد نتوانند از آن بالا بروند و به کوه‌های یخی آسیبی برسانند؛ اما آن‌ها در واقع مانع رفتن افراد به لبه صفحه زمین می‌شوند. ماه و خورشید، دو کره کوچک‌تر از زمین با قطر ۵۱ کیلومتر هستند که در ارتفاع ۴۸۲۸ کیلومتری از سطح زمین قرار دارند و در مدارهایی حرکت می‌کنند تا روز و شب را به وجود بیاورند و ستاره‌ها در ارتفاع ۴۹۸۸ کیلومتری و در گنبد آسمان قرار گرفته‌اند.

خورشید و ماه همچون نور افکن‌هایی، به هنگام گردش بر فراز زمین، در یک چرخه ۲۴ ساعته بخش‌هایی از آن را روشن می‌کنند

گنبد آسمان در اخترشناسی کتاب مقدس گنبدی جامد
و بسیار بزرگ است که بالای اتمسفر قرار دارد. در
تورات کتاب پیدایش خداوند گنبد آسمان را خلق کرد
تا آب‌های مافوق زمین را (منابع باران) از آب‌های
زیرین (در زیر زمین) جدا کند. لغت فرمانت (گنبد
آسمان) انگلیسی شده لغت لاتینی فرمانتیوم است
که در ولگیت مشاهده می‌شود. واژه فرمانت در
انگلیسی از ریشه لاتین فرمانتوم گرفته شده است که
ترجمه لغت عبری رکیا می‌باشد. لغت فرمانتوم در
لاتین به معنی محکم و سخت می‌باشد. لغت عبری
رکیا به معنی گسترش یافتن است که شبیه فرآیندی
است که در آن یک فلز با کوبیدن صاف و پخش
می‌شود. مانند تمامی فرهنگهای گذشته بنی اسرائیل بر
این باور بودند که آسمان یک گنبد جامد است. لغت
گنبد آسمان در تورات کتاب پیدایش روایت شده
است. در کتاب پیدایش آمده است: خداوند گفت
بگذارید میان آب‌ها گنبدی باشد تا آب‌ها را از آب‌ها
جدا کند. از این رو خدا گنبد را ایجاد کرد و آب‌های
زیر گنبد را از آب‌های بالای گنبد جدا نمود و این گونه
شد. و خداوند (بالای) گنبد را بهشت نام نهاد

بر اساس تورات این گنبد دارای دریچه‌هایی به آسمان بالا است. در داستان طوفان نوح این پنجره‌ها باز شده و زمین از آب پر می‌شود. در سال ششصد و شصت و نهم و در روز ۱۷ ماه دوم تمامی آبهای زیرزمین سرآریز شدند و پنجره‌های بهشت باز شدند. از این رو در دیدگاه کتاب مقدس بهشت شمایم در بالای گنبد قرار داشت. کل زمین و آسمان در اقیانوسی به نام تهوم شناور بودند که آب‌های آن تا قبل از ایجاد گنبد زمین را پر کرده بود. دریای تهوم بر اساس تورات پر از موجودات شیطانی نظیر لویاتان است که خداوند بر آن‌ها غلبه کرده است. گنبد آسمان مانند یک مانع جامد عظیم است و تا حدودی شبیه یک کریستال است. ظرافت آن به طوری فوق‌العاده است که مانند یک آبر شاره رفتار می‌کند. تمام جامدات تا حدودی مایع نیز هستند. هر دسته از فریم‌های شبکه‌بندی شده (مانند فوتون، نوترینو، پروتون، اتم، مولکول، ستاره، کهکشان) به هیچ موقعیت ثابت در ماتریس گنبد آسمان متصل نیستند بنابراین باید نسبت به گنبد آسمان به گونه‌ای چرخش و حرکت داشته باشند

و يَوْمَ نُسِيرُ الْجِبَالَ وَ تَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَ حَشَرْنَا هُمْ فَلَمْ
نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا [سوره كهف آیه ۴۷]

ترجمه: و روزی را به خاطر بیاور که کوه‌ها را به
حرکت درآوریم و زمین را آشکار و مسطح می‌بینی و
همه آنان را برمی‌انگیزیم، و احدی از ایشان را فروگذار
نه خواهیم کرد

الْأَرْضَ بِسَاطًا [سوره نوح آیه ۱۹] وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ
ترجمه: و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده‌ای
قرار داد

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ أَنْزَلَ مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا
لِلَّهِ أَنْدَادًا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ [سوره بقره آیه ۲۲]
آن خداوندی که زمین را چون فرشی بگسترد، و آسمان
را چون بنایی، بی‌فراشت، و از آسمان آبی فرستاد، و
بدان آب برای روزی شما از زمین هر ثمره‌ای برویاند،
و می‌دانید نباید برای خدا همتیانی قرار دهید

وَ إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ [سوره غاشیه آیه ۲۰]

ترجمه: و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟
الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَ لَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَ
فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ [سوره یس آیه ۴۰] کُلُّ

ترجمه: نه خورشید را سزااست که به ماه رسد، و نه شب
... بر روز پیشی می‌گیرد و هر کدام در مسیر خود شناورند

وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا [سوره نازعات آیه ۳۰]

ترجمه: و زمین را بعد از آن گسترش داد

معنای دحو الارض «دحو» به معنای گسترش است و برخی
نیز آن را به معنای تکان دادن چیزی از محل اصلی اش
تفسیر کرده‌اند. منظور از دحو الارض (گسترده شدن زمین)
این است که در آغاز، تمام سطح زمین را آب های حاصل
از باران های سیلابی نخستین فراگرفته بود. این آب ها، به
تدریج در گودال های زمین جای گرفتند و خشکی ها از زیر
آب سر برآوردند و روز به روز گسترده تر شدند. از سوی
دیگر، زمین در آغاز به صورت پستی ها و بلندی ها یا
شیب های تند و غیرقابل سکونت بود. بعدها باران های
سیلابی مداوم باریدند، ارتفاعات زمین را شستند و دره ها
گسترده شدند. اندک اندک زمین های مسطح و قابل استفاده
برای زندگی انسان و کشت و زرع پدید آمد. مجموع این
گسترده شدن، «دحو الارض» نام گذاری می شود



نویسنده: محمدعلی شرطان

کنترل افکار جامعه انسانی

با یک نگاه جمعی به اطلاعات درج شده می‌توان بسیار خوب فهمید زمین و محیط اطراف آن بر شکلی است که بسی متفاوت‌تر از داده‌های دورغ سازمان‌های زیر سلطه استعمارگران مخصوصاً نظام سلطه جهانی لیبرالیسم است. ما با تحقیقات فشرده در کتاب‌های مقدس دجالیسیم متوجه شدیم که رسماً با دستور شخص شیطان باید در علم نجوم یک‌سری اطلاعات معیاربندی شده برای فریب و نیرنگ اذهان عمومی به جامعه جهانی انتقال پیدا کند که بدین سبب مردم از درصد زیادی حقایق و بی‌کران‌های جهان خلقت در غفلت و نادانی تمام به سر برند تا در نهایت به یک زندگی شهوانی و حیوانی غوطه‌ور باشند و در تاریکی جهل راهی جهنم شوند



@YoSoFeFATeMe

آن‌ها ما را گونه‌ای پرورش داده‌اند که گونه‌ای فرض کنیم هیچ
یک از آیات و روایات الهی بر اساس علم روز مطابقت ندارد و
تمام کلام نور پیامبران و ادیان دورغ محض است ولی به فضل
الهی این توطئه‌ی بزرگ در راه آخر و رو به نابودی است. با
نگرشی خردمندانه می‌توان درک کرد سازمان نجوم وابسته به
سلطه استعمارگران حتی برای نوع و اندازه و چرخش و اطلاعات
مبهم دیگر درباره خورشید، ماه، سیارات منظومه شمسی،
ستارگان یا حتی کهکشان‌ها بر ما و دیگران دورغ بزرگ و
اطلاعاتی کاملاً احمقانه و به دور از واقعیت خبر دادند. چه درد
بزرگی‌ست که به این مرحله رسیده‌ایم ولی به علمی دست
یافتیم که در حیطه علوم طاغوت مصر باستان و نیروهای اعظم
تاریکی عالم بود. باید بیدار شد و خود را از مثلث زندان فکری
یک‌سری موجودات گم‌گشته و سرگردان رهایی بخشید و در عمل
به دایره‌ی علم و دانش دین پر نور اسلام وارد گشت

لیبرال ۷۱۸ فصل ۴ سخن ۱۰؛ علم من پیشرفت
می‌کند منتخبان من باید از قسمت بیرونی کیهان
دیدن کنند (سازمان ناسا). علوم برق ، فیزیک‌دان
، بیوشیمیست و سایر شاخه‌های علوم مدرن ، که
من (حوروس؛ منجی یهود (اولین فرزند ابلیس)
فاش کردم ، در تحقیقات خود ادامه خواهند داد.
اختراعات آنها باید از تکنیک‌های مادی و
جادویی استفاده شود. شگفتی‌های ملت ما
(آمریکا و انگلیس) باید از مرز غیر قابل عبور
فراتر رود! سلام ، بابلون! ما باید یک ماتریفیسم
صادقانه را القا کنیم

بگذارید که پراکتیسیوس کتاب‌های درسی نجوم را مطالعه کند ، در صورت لزوم ، به سرزمینی که خورشید و ستاره‌ها در آن دیده می شود ، مطالعه کند ، و آسمان‌ها را با بهترین تلسکوپ‌هایی که ممکن است به آن‌ها دسترسی داشته باشد ، مشاهده کند. به او اجازه دهید تا واقعیت‌های که تمرین‌گر تصویری ذهنی از زمین بسازد ، به ویژه اصلی را به خاطر آورد. تلاش کند تا در مقایسه با خودش اندازه زمین را درک کند و بگذارید او راضی نباشد تا زمانی که با اطمینان خودش به خوبی موفق شده باشد به او اجازه دهید ماه را اضافه کند و به خاطر داشته باشید اندازه‌های نسبی و فاصله بین سیاره و ماهواره آن. او احتمالاً ترفند نهایی ذهن را ناپدید شدن مداوم تصویر و ظاهر همان در مقیاس کوچک‌تر می‌داند. این ترفند او باید با قاطعیت تلاش پیشی بگیرد. او سپس به نوبه خود زهره ، مریخ ، عطارد و خورشید را به همراه خواهد داشت. در این مرحله جای تغییر نقطه نظر به مرکز خورشید مجاز است و انجام این کار می‌تواند ثبات را به مفهوم بیفزاید. سپس ممکن است سیارک‌ها ، مشتری ، کیوان ، اورانوس و نپتون باشد. توجه بیشتر به جزئیات در حال حاضر ضروری است ، زیرا تصویر پیچیده است ، به غیر از مشکل اندازه و فاصله نسبی

به یک باره تمام حقیقت و آنچه که کتاب بود و اسناد و مدارک حقیقی از زمین و پیرامون توسط گروه‌های فریب ذهن فراماسونری و ایلومیناتی جمع‌آوری شد یا از بین برده شد یا به انحصار آنها درآمد که بدین سبب خورشید مرکزی و خورشید پرستی مصر باستان به حقیقت جلوه داد شد. طی سیصد سال گذشته آنها انسان‌هایی رو پرورش دادن که نه از تاریخ انسانی و زمین باخبرند نه از پیرامون دنیای خودشان. تمامی تمدن‌های گذشته تمام محیط پوشیده بر زمین را از گذشته تا سیصد سال قبله بصورت یک آزمایشگاه زیستی ترسیم کرده‌اند زمین تخت و خورشید و ماه در زیر گنبد و در بالای گنبد به همراه دریا و رودخانه آسمانی. جالب در این جاست اشخاص و گروه‌هایی که مردم رو با تئوری‌های دروغ فریب می‌دهند خورشید مرکزی در کتاب آنها مدل و نقشه زمین تخت ترسیم شده و این چنین حقیقت را برای خودشان می‌خواهند و علم دروغ را به مردم آموزش می‌دهند

ناسا با دروغی چندین ساله و فراماسون‌ها با دروغی بیش از پنج قرن حقیقت را از مردم پنهان کرده‌اند و دنیا را در ذهن ما کروی ترسیم کردند حقیقت باید روشن شود و همه ما با هم به آن خواهیم رسید که زمین کروی نیست و مطابق فرموده همه ادیان زمین تخت و آسمان گنبدی و دارای ۷ طبقه است با نظریه زمین تخت وجود ۷ آسمان، وجود گنبد آسمان، وجود کوه قاف، وجود جهان میانی و جهان اندرونی صحت پیدا می‌کند. همان‌طور که مشخص است زمین یا کلمه الارض به مکانی می‌گویند که کاملاً هموار و جایی مسطح و کشیده شده باشد، پس اگر انسان خردمند و حقیقت‌گرا باشد در اولین مرحله از لغت خواهد فهمید که زمین به شکل تخت می‌باشد. در صورت درست بودن شکل زمین از دیدگاه کتاب‌های آسمانی و روایات راهنماگران الهی در پس و پشت کوه‌های رشته‌ای و محیط بر دنیا بی‌کران‌ها و عظمت‌هایی به جهت تصاحب منابع گران‌قیمت معدنی و زندگی با طعم لذت و شکوه‌مندی بسیار موجود است

به احتمال بسیار زیاد افراد برگزیده‌ای به صورت کاملاً محرمانه به قسمت پشت کوه‌های قاف سفر کرده‌اند تا بدین سبب به اهداف مرموزانه‌شان دست پیدا کنند و به صورت قاطع عرض خواهم کرد که پیشرفت و رشد علم و ظاهر شدن عجایب و شگفتی‌ها بر روی زمین و اتفاقات مبهم و معجزه‌آسایی که قرار است آینده بشر را به طور کلی متحول کند به چنین جریانی ارتباط پایدار و مستقیمی دارد. باور من این است که گروهی از انسان‌ها طی انجام مراسم و آئین‌های خاصی توانسته‌اند از ابعاد دنیای فیزیکی و سه بعدی ما به ابعاد بالاتر کانال بزنند و موجودات هوشمندی که ساکن و در بند این ابعادند به زمین دعوت کنند. شاید این موجودات را با نام‌های متفاوتی بشناسید. ارواح شر، اجنه و جدیداً بیگانه‌های فضایی. از عهد باستان تاکنون رمال‌ها، فال‌گیرها و جادوگران با آن‌ها در تماس بوده‌اند و از آن‌ها نیرو می‌گرفتند.